

■ **سمانه صادقی**

**پس از آنکه مقام معظم رهبری ۲۲ خردادماه در دیدار با مسئولان با تأکید بر نقش تعیین‌کننده انسجام و وحدت ملی، خطاب به آنان فرمودند: «کشور را دوقطبی نباید کرد، مردم را به دو دسته نباید تقسیم کرد. آن حالتی که در سال ۵۹ متأسفانه از ناحیه رئیس‌جمهور آن روز اتفاق افتاد که مردم را به دو دسته موافق و مخالف تقسیم کرده بودند که چیز خطر ناکی است…»**
**برای من و امثال منی که آن دوران را در ک نکرده بودیم این سؤال پیش آمد که مگر نخستین رئیس‌جمهور کشورمان چه کرده بود که انقلاب در همان ابتدای راه دچار دو دستگی شده و حضرت امام را واراد ساخت که وی را از قماش عزل نماید.**
■ ■ ■

■ **پیشینهٔ بنی صدر**

ابوالحسن بنی‌صدر فرزند آیت‌الله سید نصرالله و نوه صدرالعلمای همدانی بود که نخستین بار در دوره دبیرستان با فعالیت‌های سیاسی آشنا شد. این دوران هم‌زمان بود با جریان‌ات ملی شدن صنعت نفت، به همین جهت از همین دوران با بحث‌های ایدئولوژیک حزب توده آشنا شده و به سیاست گرایش می‌یابد. سپس در زمان تحصیل در دانشگاه وقتی کماندوها به دانشگاه تهران حمله می‌کنند وی به مقابله با ایشان می‌پردازد. همین مسئله سبب دستگیری و زندانی شدنش شده و حتی برای مدتی ممنوع‌الخروج می‌شود. هر چند با میانجیگری احسان نراقی و موافقت شاه این ممنوعیت برداشته می‌شود. پس از این جریان وی که فارغ‌التحصیل رشته الهیات دانشگاه تهران بوده برای ادامه تحصیل رهسپار فرانسه می‌شود و در آنجا به عضویت جبهه ملی درمی‌آید. در همین دوران سا باآلگر فتن فعالیت‌های گروه‌های اسلامی شخصیت قدرت‌طلب بنی‌صدر وی را به تشکیل گروه کوچکی همراه با حسن حبیبی، ناصر تکمیل همایون واحمد سلامتیان و غضنفر پور، تحریک می‌کند. علاوه بر آن با انجام یک سلسله فعالیت سعی کرده پیش از پیش خود را به انقلابیون و حامیان امام خمینی نزدیک نماید. از جمله این حرکت‌ها شرکت در تحصن جمعی از انقلابیون به مناسبت زندانی شدن آیت‌الله طالقانی و شهادت آیت‌الله سعیدی در کلیسای سن مری است.

ابوالحسن بنی‌صدر که تا چند سال قبل به وزارت خارجه اسرائیل قول همکاری‌های پژوهشی می‌داد و برای شرکت در کنگره‌های سازمان جهانی جوانان به حیفا سفر می‌کرد، حال چنان شورانقلابی گرفته بود که برای دیدار امام رهسپار نوفل‌لوشاتو شد. بنی‌صدر برای دستیابی به اهدافش از هیچ حرکتی فروگذار نبود حتی نزدیک شدن به امام (ره) به همین سبب با فروپاشی رژیم پهلوی وی همراه با امام در ۱۲ بهمن ۵۷ رهسپار ایران شد.

■ **تلاش برای جلب اعتماد انقلابیون**

مردمی که برای استقبال از امام به فرودگاه رفته بودند در جمع یاران امام با چهره جدیدی آشنا شدند که هیچ شناختی از او نداشتند و حتی در زمره مبارزین انقلاب هم به حسابش نمی‌آوردند. امامناظر که که شهید دایلمه در روز عزل بنی‌صدر در مجلس عنوان کرد ۱۲ سال پیش از ریاست‌جمهوری‌اش در مصاحبه‌ای با مجلهٔ آفریقای جوان می‌گوید که نخستین رئیس‌جمهور ایران خواهد بود. در واقع ابوالحسن بنی‌صدر از سال‌ها پیش خواب ریاست‌جمهوری و مرد اول حکومت ایران شدن را دیده بود. به همین روی بنی‌صدر تنها پس از گذشت سه روز از ورودش به کشور با ترتیب دادن سلسله سخنرانی‌هایی به مدت ۱۰ روز در دانشگاه صنعتی شریف تلاش کرد خود را فردی انقلابی و پاینده به آ زمان‌های امام معرفی کند. نقطه اوج این سخنرانی‌ها محامده‌شوی با بانک زهرای رهبر بود. ماونیستی کارگران انقلابی در دانشگاه تهران بود. به طوری که پس از سخنرانی‌ها و مناظرات نوز درم‌به‌چهره‌ای ایدئولوگ انقلاب شناخته شد و همین امر هم سبب عضویتش در شورای انقلاب گردید.

امانبنی‌صدر در این شورا حاضر به همکاری با دولت موقت نشد، هر چند مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت نیز چندان تمایلی به سپردن پستی به وی نداشت و معتقد بود «ناید به کسی که سابقهٔ اداره یک مکتبخانه را با بانک زهرای پستی داد!» با این حال براساس طرح ادغام دولت موقت و شورای انقلاب به عنوان معاون وزارت امور اقتصاد و دارایی انتخاب شد. اما بنی‌صدر برای رسیدن به هدفش که به دست گرفتن رأس نظام بود کم‌کم توانست پیوسته‌ای امامی را به دست آورد.

در نتیجه برای شرکت در انتخابات خیرگان قانون اساسی و معاونت وزارت امور اقتصادی انصراف داد. حاصل آنکه وی در انتخابات مرداد ماه سال ۵۸ از سوی مردم تهران به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی درآمد.اما از همین دوران کم‌کم چهره ضد انقلابی خود را نمایان ساخت و از آن جمله مخالفت با تصویب دو اصل اختیارات ولی ققیه و شرایط عمومی و اختصاصی رئیس‌جمهور در قانون اساسی بود. وی معتقد بود برای رکنیت جمهوری شدن نیازی به التزام به دین نیست و همان شرط مدیر و مدبر بودن کفایت می‌کند. البته این نظر با مخالفت شدید دیگر نمایندگان روبرو شد. علاوه بر این وی خواستار تصویب قوانینی بود که اختیارات بیشتری در رئیس‌جمهور گذاشت و در واقع او در هر سمت سنی می‌کرد راه را برای دورهٔ بعدش هموار سازد. البته در آن روزگار هم کسی به رفتار وی شک نمی‌کرد چون کافی بود از فردی تعریف شود دیگران هم به وی اعتماد می‌کردند و در صدد تحقیق در رفتارش بر نمی‌آمدند.خطاره آیت‌الله مهدوی کنی از سفر اعضای هیئت حل اختلاف غائله تیریز به خوبی بیانگر این رفتار بنی‌صدر است! ایشان می‌گوید: «در جریان تیریز که خلق مسلمان رادیو و تلویزیون را گرفتند، من و بنی‌صدر و شاید آید دکتر سبحانی برای اصلاح اوضاع به تیریز رفتیم تا ببینیم کسانی که رادیو و تلویزیون را گرفته‌اند، چه می‌خواهند و چه کسی تقصیر دارد؟ ولی بنی‌صدر پیدایش نبود، بعدها فهمیدیم که می‌رود با گروه‌های مختلف اعم از دانشگاهی و تجار، مقدمات ریاست‌جمهوری‌اش را درست می‌کند. در حالی که ما نه فقط به فکر این حرف‌ها نبودیم بلکه اصلاً بلد هم نبودیم.»

■ **استعفای دولت موقت فرصتی برای تبلیغات انتخاباتی**
دیدار برژنیسکی با مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی در دهم آبان ماه سال ۵۸ فرصتی را برای دانشجویان پیرو خط امام فراهم ساخت که مدت‌ها در پی آن بودند. آنان سه روز پس از این دیدار سفارت آمریکا در اه اشغال خود درآوردند و کارکنانش را به اسارت گرفتند. دو روز پس از این حادثه بازرگان که این اقدام را مغایر با قوانین بین‌المللی می‌دانست

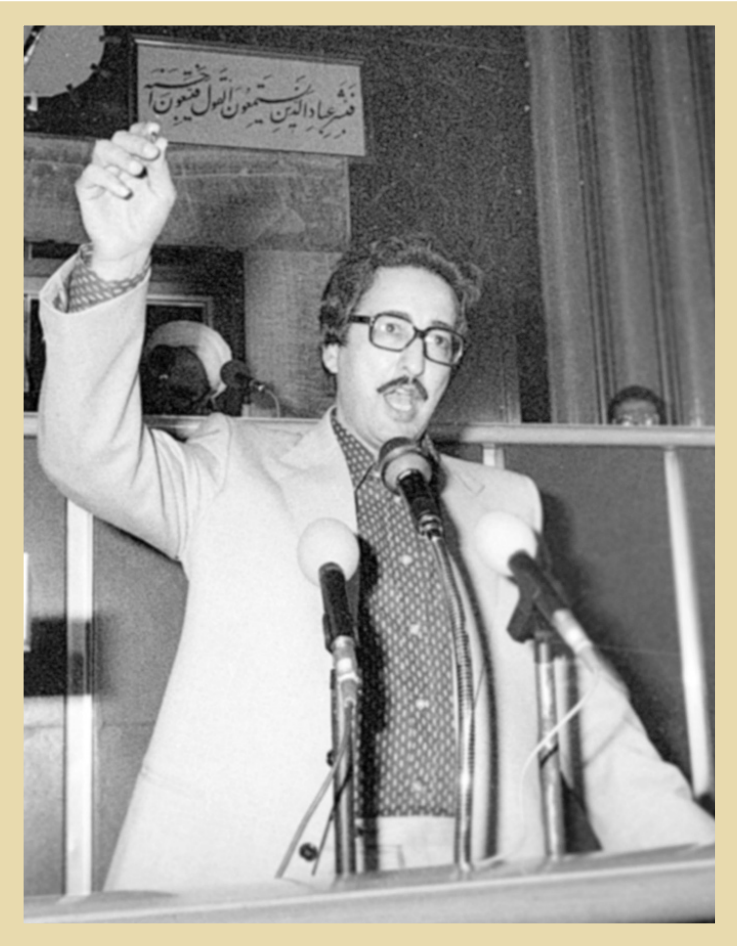
همراه با دیگر اعضای دولت موقتش همگی استعفاى خود را اعلام کردند. به همین سبب امام نیز طی حکمی اداره کشور را به شورای انقلاب سپردند. در این دوره بنی‌صدر به عنوان وزیر امور اقتصاد و دارایی انتخاب شد. شرایط بحرانی کشور و وجود ناامنی و آشوب در مناطقی چون سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان سبب شد که نیاز کشور به نهادهای قاونونی چون قوای مجریه و مقننه پیش از پیش احساس شود. به همین منظور طرح انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس توسط وزارت کشور به شوراى انقلاب تسلیم شد. امام ابتدا قرار شد انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود و بعد انتخابات مجلس. برای آنکه افرادی که در انتخابات اول پیروز نشدند بتوانند در انتخابات مجلس شرکت نمایند.

■ **پیام تبلیغاتی بدون پشتوانه تخصصی**

در شرایطی که جامعه روزهای پرالتهاب برگرزای نخستین انتخابات را از سر می‌گذراند، جمله‌ای از ابوالحسن بنی‌صدر که تا آن زمان اعلام کاندیداتوری نکرده بود همچنان نژادی در جامعه به راه نداشت. سوم دی ماه۱۳۵۸ تیزتر یک همه روزنامه‌های اصلی کشور یک جمله بود: «پهره‌از نظام بلکی حذف شد!» وزیر اقتصاد و دارایی طی مصاحبه‌ای به شرح تصمیمات اقتصادی کشور پرداخت و علاوه بر ملی اعلام کرد نیز تجارت خارجی و واردات صادرات کرده بود که بهره بانکی نیز حذف می‌شود.البته طرح چنین مسئله‌ای بدون ارائه نمونه و تئوری در این زمینه انجام شد و فقط شعاری انتخاباتی در آن شرایط حساس بود که بحق هم توانست نظر آحاد جامعه و بسیاری از علما را نسبت به وزیر اقتصاد و دارایی مثبت نماید.

■ **ملاقات حضرت امام دستاویزی برای رأی بیشتر**
سه روز پس از این مصاحبه بنی‌صدر قدم اصلی خود را برای پیروزی در انتخابات برداشت و آن ملاقات امام (ره) هم بود. بنی‌صدر برای ملاقات امام (ره) برنامه‌ریزی بسیار دقیقی انجام داده بود. وی ابتدا اسبا چهره‌ای مضطرب به خدمت امام شرفیاب شد و بلافاصله پس از خروج از محضر ایشان وانمود کرد که طی سخنرانی مخالفت کرده است. بنی‌صدر رسیده که کاندیدای این دوره از انتخابات شود. در حالی که بنی‌صدر سال‌ها پس از این ملاقات و فرارش در خطراتن اش قرار می‌کند که در آن جلسه امام با کاندیداتوری وی برای ریاست‌جمهوری مخالفت کرده است. بنی‌صدر در این باره می‌گوید: «با آقای خمینی صحبت کردم، ایشان گفتند: «شما به سه دلیل نمی‌شود رئیس‌جمهور بشوی؛ یکی اینکه مخالف ولایت فقیه هستی. دوم اینکه مخالف مالکیت خصوصی هستی و یکی هم اینکه مخالف این هستی که روحانیت در دولت باشد.»

در واقع بنی‌صدر با این شیوه توانست بسیاری را بقربند و



**فرازو فرودهای زندگی و زمانه اولین رئیس‌جمهور پس از انقلاب**

# سرانجام رئیس‌جمهوری که رؤیای «رهبری» داشت

شرایط را به گونه‌ای پیش برد که همگان تصور کنند امام هم به وی رأی خواهد داد. نظری که سال‌ها در میان جامعه کشور را به شورای انقلاب سپردند. در این دوره بنی‌صدر به عنوان وزیر امور اقتصاد و دارایی انتخاب شد. شرایط بحرانی کشور و وجود ناامنی و آشوب در مناطقی چون سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان سبب شد که نیاز کشور به نهادهای قاونونی چون قوای مجریه و مقننه پیش از پیش احساس شود. به همین منظور طرح انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس توسط وزارت کشور به شوراى انقلاب تسلیم شد. امام ابتدا قرار شد انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود و بعد انتخابات مجلس. برای آنکه افرادی که در انتخابات اول پیروز نشدند بتوانند در انتخابات مجلس شرکت نمایند.

دوری مسوم بود که افق دید و بصیرت بسیاری از خواص را ضعیف کرد. آیت‌الله عراقچی دربارہ فضای حاکم بر تبلیغات آن دوره می‌گوید: «قتی انتخابات و تبلیغات اولین دوره ریاست‌جمهوری آغاز شد، فضایی درست کردند که آدم جرئت نمی‌کرد یک کلمه حرف بزاند. حرف‌ها در ذهن حضرت امام به (بنی‌صدر) نظر مثبت دارد، در حالی که اصلاً اینطور نبود. یک روز در بازار قم مشغول خرید بودم، یکی از بازاری‌ها در حال صحبت با دوستانش می‌گفت: هر کس و ناکس خودش را کاندیدای می‌کند. جلال‌الدین فارسی اصلاً حرف زدن بلد نیست. برای ریاست‌جمهوری فقط بنی‌صدر لیاقت دارد. قربان جدش بروم، نه تنها فارسی بلکه انگلیسی هم خوب صحبت می‌کند…» یعنی این را جزو کلماتش می‌دانستند. همه جا بر کرده بودند که آقای پسندیده او به رأی می‌دهند. بنابراین کسی جرئت نمی‌کرد علیه او حرفی مطرح کند. فضای عمومی جامعه را اینچنان به نفع بنی‌صدر هدایت کرده بودند که هیچ کس فرصت و قدرت انتخاب صحیح را نداشت.»

همچند جگه یک روز قبل از انتخابات از بیمارستان در مورد اخبار انتخاباتی می‌پویدند: «هر یک از اینها که بپرند، برای خدمت لایذ خدمت خواهند کرد و اگر خدمت نکنند ملت هستس و آنها را بر کنتر خواهد کرد.» در چنین شرایطی ابوالحسن بنی‌صدر از میان کاندیداهایی چون سیداحمد مدنی، حسن حبیبی، داریوش فروهر، کاظم سامی، صادق قطب‌زاده و صادق طباطبایی به عنوان نخستین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد.

■ **استادی مینبی بر جاسوسی**

ناگفته نماند که انتشار خبر ریاست‌جمهوری بنی‌صدر در خارج از کشور هم بازتاب‌های بسیاری داشت از جمله آنها خبرگزاری یونایتد پِر س بود. این خبرگزاری پس از اعلام صادق قطب‌زاده و صادق طباطبایی به عنوان نخستین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد.

راه به تأخیر انداخته است و این اقدام امریکا ژستی آزمایشی است که نشانگر شناسایی دولت جدید انتخاب شده ایران است.» در واقع دولت امریکا به بنی‌صدر بسیار خوش‌بین بود و تصور می‌کرد که با انتخاب شدن وی اعضای سفارتش هم، مردم رأی آزاد خواهند شد. البته دانشجویان پیرو خط امام در بخشی از اسناد به دست آمده از سفارت امریکا دریافتند که از مدت‌ها قبل بنی‌صدر با سازمان سیا همکاری داشته است. به عنوان نمونه در بخشی از اسناد به دست آمده نوشته شده: «بنی‌صدر تمایل همکاری با ما را دارد و در حه ثمر مثبت اسناد، بنی‌صدر، خرم‌خروج خمینی از صحنه سیاست است. بنی‌صدر، خمینی را خطاکار می‌داند، ولی اگر احساس کند رژیم به نفع او پیش نمی‌رود علیه رژیم توطئه خواهد کرد. او حتی روزنامه‌اش «انقلاب اسلامی» راه به این منظور ایجاد می‌کند.»

■ **سهواستفاده از برپایی مراسم تنفیذ**

پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و برگزیده شدن ابوالحسن بنی‌صدر با رأی بالای ۱۰ میلیون نفر نوبت آن رسید به مراسم تنفیذ حکم وی بر گزار شود. اما برگزاری این مراسم طبق قانون می‌بایست در حضور نمایندگان مردم و در مجلس صورت می‌گرفت. این در حالی بود که تا برگزاری انتخابات مجلس یک ماه زمان باقی‌مانده بود. این مسئله دستاویزی برای بنی‌صدر و هوادارانش شد که با جنجال آفرینی در مطبوعات کاری کنند که این مراسم منطقه دوقواتده‌ای نزدیک صحنه‌ای طیبس فرود آید. پیش از تشکیل مجلس و در حضور حضرت امام انجام شود.

در واقع بنی‌صدر از هر فرضی استفاده می‌کرد تا نزد جامعه خود را مورد تأیید امام جلوه دهد. از آنجا که حضرت امام به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان قلب تهران بستری بودند، قرار شد این مراسم در سالن بیمارستان قلب برگزار شود. نتیجه ۱۰ روز پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، مراسم تنفیذ نخستین رئیس‌جمهور ایران در سالن بیمارستان قلب تهران و با حضور جمعی از مسئولان و اعضای شورای انقلاب و خبرنگاران و مکان‌های داخلی و خارجی برگزار شد. اما آنچه پیش از هر چیز در این مراسم مورد توجه قرار گرفت رفتار رئیس‌جمهور با رهبر کبیر انقلاب بود. ابوالحسن بنی‌صدر که با پیش از این همواره سعی داشت همگی را متوجه ارادت و فرمانبرداری‌اش از امام کند حالا به گونه‌ای عمل می‌کرد که حتی تلویزیون هم از بخش تصاویر این مراسم خودداری کند. امام چراچه بود؟ پس از ورود حضرت اما با ویلچر به سالن بیمارستان ایتهاب‌بنی‌صدر دست ایشان را بوسید اما پس از تلاوت آیاتی قرآن و قرائت متن حکم تنفیذ ریاست‌جمهوری توسط حاج احمد آقا، رئیس‌جمهور بی‌توجه به اشارات امام به سخنرانی پرداخت. حتی که موجب تعجب حضار شد. ابوالحسن بنی‌صدر خود درباره ماجرای آن روز می‌گوید:

«وقتی او را با صدلی چرخ‌دار می‌آوردند، یک حالت رقت به من دست داد. حالت غمگین داشت و به قدری حالت عاطفی به من دست داد که دستش را بوسیدم خیلی با عاطفه. وقتی که بلند شدم صحبت کنم، او دو سه دفعه صدا کرد که من نشنیدم و بعد به من توجه دادند که از پشت اسرأ حکم تنفیذ را می‌خواهد به من دهد. من هم آن را از دستش گرفتم و گذاشتم روی میز و شروع کردم به صحبت و از شعور مردم حرف‌زدن و از این که ولایت مردم دارد مستقر می‌شود و تکیه بر رأی مردم… و این حرف‌ها به طبع آقا خوش نیامده بود. ایشان ولی فقیه بود و من ایستاده بودم و برعکس فکر او حرف می‌زدم.»

این حرکتی بی‌ادبانه بنی‌صدر در مراسم تنفیذ جرقه‌ای بود برای اقدامات برنامه‌ریزی شده‌اش در دوران کوتاه ریاست‌جمهوری. به هر ترتیب چند روز بعد از برپایی مراسم تنفیذ امام خمینی اول اسفند ماه طی حکمی ابوالحسن بنی‌صدر را به نمایندگی از سوی خود به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب کردند.اما این مقام که تنها در همین دوره به رئیس‌جمهور سپرده شد، توانست از آتش قدرت‌طلبی و بلند پروازی‌های بنی‌صدر بکاهد. چرا که در این دوران ابوالحسن بنی‌صدر خود را مرد اول حکومت ایران تصور می‌کرد.

■ **تلاش حزب جمهوری برای معرفی شخصیّت رئیس‌جمهور**

پس از برگزاری انتخابات، حزب جمهوری که کم و بیش با حقیقت رئیس‌جمهور آشنا شده بود تلاش بسیاری کرد که این حقیقت را بر همگان عیان سازد. از طرفی بنی‌صدر در پی آن بود که نمایندگان دوره اول مجلس از جریانات و احزاب موافق وی باشند اما الترافت نیروهای خط امامی همچون حزب جمهوری، جامعه روحانیت، هیئت‌های مؤتلفه و سازمان مجاهدین انقلاب و… برنامه‌های وی را با شکست مواجه ساخت. اختلاف بنی‌صدر با نمایندگان مجلس از آنجا آغاز شد که آنان با گزینۀ اول وی برای نخست‌وزیری مخالفت کردند. احمد سلامتیان نخستین کاندیدای بنی‌صدر برای این سمت بود. پس از آن بنی‌صدر برای تحت تأثیر قرار دادن مجلس و مردم در نامه‌ای به امام در خواست نخست‌وزیری سیداحمد خمینی را کرد.

این درخواست با مخالفت امام روبرو شد و ایشان در این رابطه فرمودند: «بنا ندارم اشخاص منصوب به من متصدی این امور شوند.» پس از آن رئیس‌جمهور مصطفی میرسلیم راه مجلس معرفی کرد که او هم نتوانست نظر مساعد مجلسیان را جلب کند. با بالا گرفتن اختلاف‌نظرها و طولانی شدن زمان انتخاب نخست‌وزیر بنا شد هیئتی تشکیل شود تا افرادی را به رئیس‌جمهور معرفی نماید. هیئت مذکور محمد علی رجایی را به رئیس‌جمهور پیشنهاد کردند که به رغم مخالفت بسیاری وی شهید رجایی به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. اما آنجا که بنی‌صدر همچنان با رجایی مخالف بود با وزیران پیشنهادی وی نیز مخالفت می‌کرد. این جریان پیشنهاد پیش آمده نیز نهایت کلینه بدون معرفی وزیران کلیدی همچون وزیران خارجه، بازرگانی و اقتصاد و دارایی به مجلس معرفی شد.

■ **مجلس ساختن اسناد عملیات پنجه عقاب**

در پی ناکامی دولت امریکا در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی برای آزادی گروه‌گان هایشی که در ماجرای تسخیر سفارت امریکا با دانشت بوده بودند و نیز موفقیت بنی‌صدر در حل این مسئله کار آید، رئیس‌جمهور این کشور دستور انجام عملیاتی را برای اردادساری آنان می‌دهد. طبق این عملیات قرار بود نمایانان امریکایی به وسیله بالگردهایشان در منطقه دوقواتده‌ای نزدیک صحنه‌ای طیبس فرود آید. وا از آنجا عملیات آغاز کنند اما طوفان شب سبب به هم خوردن و آتش گرفتن یک هواپیمای بالگرد شد و کلا عملیات ناکام ماند. در چنین شرایطی بنی‌صدر پیش از رسیدن نیروهای نظامی کشور به منطقه و بررسی اسناد، دستور بمباران بالگردهای سالم به جا مانده در طیبس را می‌دهد.

■ **کارشکنی بنی‌صدر در قامت**

■ **فرمانده کل قوا**

از جمله مواردی که در تاریخ انقلاب اسلامی رنگ و بوی خبیات و وابستگی بنی‌صدر را بیشتر نشان داد عملکرد وی در دوران جنگ به عنوان فرمانده کل قوا و ریاست شورای عالی دفاع است که با مطرح کردن نظریه «اگذاری زمین و گرفتن زمان» و بیان مسائل اختلافی با نهادهای انقلابی این جمله سبب‌آز ارسال تجهیزات برای دفاع از شهرها خودداری کرده، باعث اشغال خرمشهر و برخی از شهرهای مرزی جنوب غرب کشور شد. از دیگر خبیات‌های وی در این دوره عزل شهید علی صیاد شیرازی یک شب قبل از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از فرماندهی قرارگاه عملیات غرب کشور است. شهید کاظمی در خصوص نمونه دیگری از خبیات‌های بنی‌صدر می‌گوید: «از لحاظ مهمات جنگی، در زمانی که بنی‌صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت مشکلات مایسپار زیادبود. من خود نامه‌ای آقای بنی‌صدر را دیدم که نوشته بود به سباه میروای ندهید.» در نهایت ضعف بنی‌صدر در روپارویی با

مسائل جنگ و بالا گرفتن اعتراضات در جبهه‌های جنگ سبب شد که امام در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ وی را طی پیامی از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار کند.
■ **حادثه ۱۴ اسفند نقطه عطف کارنامه بنی‌صدر**
بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور تصمیم گرفت مصادف با سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق در دانشگاه تهران میتینگی ترتیب دهد تا در نقش تاریخی مصدق سخن بگوید. برای برپایی این اجتماع گروه‌های بسیاری نظیر حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، کانون توحیدی اصناف، جامعه بازرگانان و اصناف، جمعیت زنان تهران و… باصود اعلامیهٔ موافقت خود را اعلام کردند. در آن روز عده‌ای از مردم و طرفداران حزب جمهوری در دست داشتن عکس مصدق در حال بوسیدن دست ثریا به

شعاردادن پرداختند.از سوی دیگر گروهک‌هایی نظیر حزب نجبران، حزب توده، سازمان پیکار در راه آزادی واتحادیه کمونیست‌ها برای بهره‌برداری از این مراسم و جزو شرکت‌کنندگان بوده و در مقابل مردم حزب‌اللهی به دادن شعار پرداختند. اما سازمان مجاهدین که نقش اصلی را در شکل‌گیری درگیری‌های آن روز داشت با دادن شعارهایی به تحریک جریانات و مردم پرداخت. بنی‌صدر سخنرانی را اینطور آغاز کرد: «در این جهان که ما هستیم ذو نوع دید از رهبری وجود دارد، یک رهبری بر این باور است که خود می‌باید به جای یک ملت تصمیم بگیرد و خود می‌باید سرزوشت مردم را هرطور که خواست تعیین بکند. این رهبری، رهبری‌های دیکتاتورمانه‌بان، در گذشته و حال تاریخ بشر هستند و مصدق از اینگونه نبود زیرا از نظر او رهبری خدمت‌سازاری مردم و اجرای خواست و اراده مردم است.» پس از آن بنی‌صدر به جای آنکه برای آرامش فضا تلاشی کند از مردم خواست که حزب‌اللهی‌ها را از دانشگاه بیرون کنند و این آغاز ماجرا بود. آن روز هر کس که ریش یا لباس فرم‌سبزه تن داشت و یا هر بانویی که چادر به سر داشت توسط اعضای گروهک‌های یاد شده مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته و دستگیری می‌شد.

آنچه در این میتینگ رخ داد دوقطبی‌سازی در جامعه بود که به صورت جدی به آن دامن زده شد. شدت وقایع آن روز به گونه‌ای بود که آیت‌الله گلپایگانی طی تلگرافی به امام فرمودند: «اختلافات و برخوردها و درگیری‌های اخیر موجب نگرانی شدید است. با توجه به وضع بسیار حساس کشور و جنگ تحمیلی و توطئه‌های بیگانگان اقدام سریع‌حضر تعالی در اطفاى این ناپره از قبل فرخته‌های خطرناک و حوادث غیرقابل پیش‌بینی به نظر حقیر لازم است.» امام نیز در جواب تلگرافی فرستادند و فرمودند: «..به جنابعالی و عموم ملت شریف اطمینان می‌دهم که با خواست خداوند تعالی با اینگونه مخالفت‌های با اسلام برخورد شدید خواهد شد و به دستگاه قضایی گفتمام که قضیه را تعقیب و مجرمین و محرکین را شناسایی و محاکمه کنند و نتیجه را به اینجانب اطلاع دهند…»
یادگروه‌ها و دسته‌های منحرف سیاسی و غیرسیاسی بداندند که من باحساس تکلیف با آنان برخورد اسلامی می‌کنم و به شرارت‌های ضداسلامی خاتمه می‌دهم.»

■ **روای جاننشینی پس از حضرت امام**

در واقع منافقین و ضد انقلاب از بنی‌صدر برای دستیابی به اهداف‌شان استفاده ابزاری می‌کردند و زمانی هم که دیدند دیگر به کارشان نمی‌آید او را کنار گذاشتند. در واقع او رفتارش خود را طعمه آنان قرار داده بود و در این راه به تذکرات امام نیز توجه‌ی داشت و همین سبب از دست دادن رأی ۱۰ میلیونی‌اش شد.اما با توجه به کارشکنی‌های بنی‌صدر و شرایط حساس کشور همچنان امام صلاح نمی‌دید که وی را عزل نماید. به همین منظور تصمیم گرفتند که برای وحدت و حل اختلافات پیش آمده هیئت سه نفره‌ای تشکیل دهند. اما این هیئت سه نفره هم نتوانست منابع از رفتارهای نرفق‌فائقانه بنی‌صدر. حدود زمان می‌گذشت و همچنان گروهک‌های فئاسی کشور را متمسک می‌کردند و بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور هیچ تلاشی برای بهبود این وضعیت انجام نمی‌داد. او همچنان بابت کسب رأی ۱۰ میلیون‌اش تصور می‌کرد که نزد جامعه محبوبیتش از رهبر انقلاب هم بیشتر است. به طوری که معتقد بود اگر فرزندومی مردمی را کسب خواهد کرد. حتی تصور می‌کرد که به زودی ناخای کشتنی انقلاب در خواهد گذشت و او سنگدل انقلاب خواهد شد. به طوری که در دیداری که با شوراى عالی سپاه داشت در مقابل اعتراض به اینکه چرا اعضای این شورا با به سختی می‌پذرد و مسعود رجوی هر وقت بخواهد او به دست‌سری دارد، گفته بود: «من باید این گروه‌ها را داشته باشم زیرا وقتی ما از دولت‌المن علمت شرکشان را در تحریم اقتصادی نسبت به ایران پرسیدیم به ما گفتند با ما مطالعه بولتن‌های پزشکی امام به این نتیجه رسیدیم که امام بیش از سه ماه دیگر زنده نیست. بنابراین امام سه ماه دیگر فوت می‌کند و روحانیت دسته دسته می‌شوند. تنها این گروه‌ها هستند که به علت داشتن تشکیلات در ایران باقی می‌مانند و قدرت را در دست می‌گیرند، من باید این گروه‌ها را داشته باشم.»

■ **سرانجام روای رهبری**

پس از توصیه امام خمینی به بنی‌صدر در خصوص طرد گروه‌های فاسدالطرافش و تعامل با سایر قوای کشور وی در پیامی تومین‌آه می‌گوید: شما نمی‌خواهید قانون اساسی اجرا شود. در مسائل اساسی کشور طرز عمل شما چنان است که کشور را نابودی می‌عزل کرده است.» این روند ادامه یافت تا اینکه پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح کم‌کم وی به زندگی مخفی روی آورد و به نامه‌نگاری علیه امام پرداخت. از طرفی در ۲۶ خرداد ماه سازمان مجاهدین خلق طی اطلاعیه‌ای خبر از اجتماع هواداران بنی‌صدر در روز ۳۰ خرداد دادند. تظاهراتی که نهایتاً به دستگیری همسر بنی‌صدر و خشونت انجامید سبب خشم بیشتر مردم مومن و انقلابی کشور نسبت به رئیس‌جمهور شد. این حوادث نهایتاً سبب شد مجلس بالامضای ۱۲۰ نماینده به طرح «عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور» این طرح را در دستورکار خود قرار دهد. پس از برگزاری جلسه و شنیدن صحبت بسیاری از نمایندگان در خصوص این طرح نهایتاً در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ با ۱۷۷ رأی موافق و یک رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر داده شد. حضرت امام (ره) نیز از اول تیر ۱۳۶۰ طی حکمی بنی‌صدر را از مقام ریاست‌جمهوری عزل کردند. سرانجام نیز بنی‌صدر به همراه مسعود رجوی و سرهنگ معزی (خلبان مخصوص شاه) و با قیافه مبدل از کشور گریخت و به فرانسه رفت و از آن تاریخ تا به امروز به مخالفت و مقابله با نظام اسلامی ایران پرداخته است.

۱۳۵۸، ابوالحسن بنی‌صدر در حال ایراد تظلم پیش از دستگور در مجلس خبرگان قانون اساسی



**بنی‌صدر: «من باید این گروه‌ها را داشته باشم زیرا وقتی که ما از دولت آلمان علت شرکشان را در تحریم اقتصادی نسبت به ایران پرسیدیم به ما گفتند ما با مطالعه بولتن‌های پزشکی امام به این نتیجه رسیدیم که امام بیش از سه ماه دیگر زنده نیست. بنابراین امام سه ماه دیگر فوت می‌کند و روحانیت دسته دسته می‌شوند. تنها این گروه‌ها هستند که به علت داشتن تشکیلات در ایران باقی می‌مانند و قدرت را در دست می‌گیرند، من باید این گروه‌ها را داشته باشم.»**

ابوالحسن بنی‌صدر در میان مردم در دوران ریاست‌جمهوری